

وارسی بند پنجم آیین نامه ی واژه گزینی فرهنگستان و بررسی کار کرد فرهنگستان بر پایه ی آن

کیانوش رضاییان

عربی متداول در زبان فارسی مطابق شیوه های واژه سازی زبان فارسی

- (ث) واژه های برگرفته از گونه های زبان فارسی و گویشهای ایرانی کنونی
- (ج) واژه های برگرفته از زبانهای ایرانی میانه و باستان.
- تبصره: در واژه گزینی، واژه ی شفاف که معنی آن زود یاب و روشن است بر واژه یی که معنی آن دیر یاب و نا آشکار است مرجح است.

آنچه که در این بند جای پرسش و درنگ دارد، برتری واژه های تازی راه یافته به زبان فارسی و یا واژه های نوساخته با واژه های تازی بر واژه های فارسی گویشهای ایرانی و واژه های برگرفته از زبانهای ایرانی میانه و باستان است. این فرایس را از چند دیدگاه بر می رسیم:

- ۱- گونه ها و گویشهای گوناگون زبان فارسی، شاخه های دیگری از درخت تنومند زبان فارسی هستند که همه با هم ریشه در زبانهای ایرانی باستان دارند. این زبانها و گویشها در کنار زبان فارسی راه بالندگی و فراگشتهای زبانی را کم و بیش پیموده اند. بهره گیری از واژه های این زبانها و گویشها در ساخت واژه های نو برتری دارد، چرا که نخست این زبانها و گویشها با زبان فارسی هم ریشه و هم خانواده هستند و پیوند دو همانند یا دو هم ریشه ساده تر و پربارتر است. دوم این که بدین گونه، به سهم دیگر گویشها در باروری زبان فارسی ارج نهاده می شود و

در این نوشتار، بند پنجم آیین نامه ی واژه گزینی فرهنگستان را که اولویت زبانها را برای باز به کارگیری واژه هایشان در زبان فارسی نشان می دهد، و امی رسیم و درباره ی برتر دانستن زبان تازی بر گویشهای ایرانی و زبانهای ایرانی باستان و میانه گفتگو می کنیم. همچنین کار کرد فرهنگستان را با بخشبندی واژه های برگزیده به دسته های همگرا با دسته های یاد شده در بند پنجم از دید آماری بر می رسیم.

۱- بررسی آیین نامه ی فرهنگستان

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پیش از آغاز کار خود در زمینه ی واژه گزینی برای واژه های بیگانه، بر آن شده است تا با نوشتن آیین نامه یی برای واژه گزینی و واژه سازی، راهنمای کار پژوهشگران را بفرامد. بند پنجم این آیین نامه چنین است [۱]:

- ۵- در گزینش معادلها باید سلسله مراتبی به ترتیب زیر ملاک اولویت قرار گیرد:

- الف) واژه های فارسی متداول و مانوس در زبان فارسی که از قرن سوم به این سو رواج داشته است.
- ب) ترکیبهای نوساخته با استفاده از واژه های فارسی مطابق شیوه های فارسی واژه سازی
- پ) واژه های عربی مصطلح، متداول و مانوس در زبان فارسی.
- ت) ترکیبهای نوساخته با استفاده از واژه های

همکاری گویشوران این گویشها در ساخت و به کارگیری واژه‌ها برانگیخته می‌شود و سوم این که واژه‌های برگزیده شده بدین گونه، دست کم در میان زبانمندان و گویشوران این زبانها و گویشها و گویشهای نزدیک بسادگی جامی افتد.

۲- زبان ایرانی باستان و شاخه‌های سرگرفته از آن، اوستایی، مادی، سکایی و فارسی باستان و به دنبال آنها زبانهای دوره میانه، بلخی، سکایی، سغدی، خوارزمی، پهلوی اشکانی و فارسی میانه همه از نیاکان زبان فارسی امروزی شمرده می‌شوند. در زندگی دراز زبان فارسی، چه بسا واژه‌هایی که در این زبانها زمینه‌ی نمو و نمود نیافتند و از گردونه‌ی چرخش بازایستادند. اگر واژه‌هایی را که زبان امروزی ما بدانها نیازمند است بازیافت و به چرخه‌ی زندگی زبان بازگرداند، می‌توان امیدوار بود که این واژه‌ها با دیگر واژه‌های زنده‌ی زبان امروز ما بیامیزند و زبان گویان آنها را به کار برند. گذشت چند هزار ساله در

زندگی زبان، فراگشتهایی آوایی در واژه‌ها داشته است. برای به روزآوری واژه‌های برگرفته از زبانهای باستانی می‌توان با بهره‌گیری از دستورهای فراگشت آوایی در زبان فارسی، واژه‌ها را فراگرداند و آنها را امروزی کرد. این واژه‌ها نیز از پیامد هم‌ریشگی و هم‌خانوادگی زبانی و فرهنگی، با ساخت و ساز زبان همسازند و افزایششان به واژگان زبان فارسی زخمی به پیکره‌ی زبان نمی‌زند.

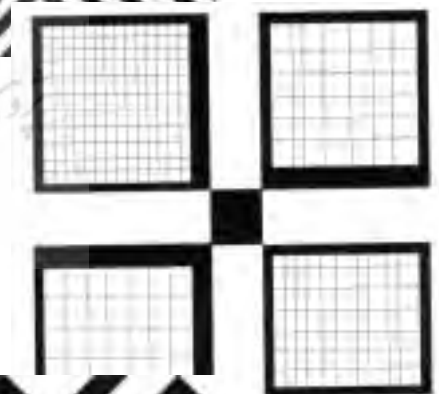
ساخت واژه‌هایی چون «پرونده» در برابر دو سیه‌ی فرانسه از واژه‌ی «پروند Parvand» پهلوی به چم دژ و بارو [۲] در فرهنگستان اول و یا ساخت واژه‌ی «رایانه» برای «کامپیوتر» از «رایان» از «راینیتن Rayenitan» پهلوی به چم سامان دادن در فرهنگستان دوم [۲] نمونه‌ی بی از کامیابی این گونه واژه‌هاست [۳].

۳- نگهداشت آوای زیبای زبان فارسی باید یکی از آماجهای واژه‌گزین و واژه‌ساز باشد. بند ۳ آیین‌نامه‌ی واژه‌گزینی فرهنگستان نیز خود بر این خوش آوایی پافشاری می‌کند:

در واژه‌گزینی باید قواعد آوایی زبان فارسی مورد توجه قرار گیرد و از اختیار واژه‌های دارای تنافر و ناخوش آهنگ پرهیز شود [۱].

هر دو دسته‌ی واژه‌های یادشده، واژه‌های دیگر گونه‌های زبان فارسی و گویشهای ایرانی و واژه‌های زبانهای ایرانی باستان و میانه هر دو با ساخت آوایی زبان فارسی هم‌آهنگ هستند و افزایششان به واژگان زبان، ساخت آوایی زبان را بر هم نمی‌زند، زیرا واژه‌های گویشهای دیگر، در درازای زندگی خود در زبان گویشوران خود چرخیده، زبریها و برآمدگیهای آن کاسته شده است. همچنین واژه‌هایی که بر پایه‌ی زبانهای ایرانی باستان و میانه ساخته می‌شوند، راه فرگشت آوایی را به گونه‌ی بی‌ساختگی می‌پیمایند. پس این واژه‌ها نیز با واژه‌های کنونی زبان فارسی از دید آوایی هماهنگ هستند.

۴- واژه‌های تازی کاربردی در زبان فارسی یا واژه‌های ساخته شده بر پایه‌ی آنها، با واژگان زبان فارسی هم‌ریشه و هم‌خانواده نیستند و افزایش یا پذیرش آنها چون پیوستی ناخوشایند برپیکره‌ی زبان می‌نماید. به کارگیری این واژه‌ها از زیایی واژگانی زبان می‌کاهد، چرا که واژه‌ی فارسی را با دستور ساختوازی زبان فارسی می‌توان گسترش داد و واژه‌های تازه و نو ساخت، لیک کاربرد برخ





از واژه های تازی در بسیاری از دستورهای ساختواژی زبان فارسی شایسته نیست. همچنین نا هماهنگی و ناهم آوایی این واژه ها با آهنگ و آوای زبان فارسی زخمی است بر جان زبان.

۲- بررسی واژه های برگزیده شده ی فرهنگستان
فرهنگستان ۲۵۱ واژه برای ۲۲۱ واژه ی بیگانه پیشنهاد کرده است [۴]. ما این واژه ها را به دسته های گوناگونی بر پایه ی زبان ریشه ی واژه بخش کرده، برای همسنجی، واژه های هر دسته را برشمرده ایم. در این آمارش، واژه های پیشنهادی فرهنگستان را به ۶ دسته ی فارسی، گویشهای دیگر، فارسی تازی، تازی و بیگانه با به دید آوردن آنچه در پی می آید، بخش کرده ایم:

● واژه هایی که بر پایه بند ث و ج ساخته شده اند، در دسته های گویشهای دیگر و باستانی جا داده شده اند.

● واژه هایی که بر پایه ی دستور ساختواژی زبان فارسی از واژه های تازی ساخته شده اند در دسته فارسی تازی شمرده شده اند، لیک واژه های تازی شده در دسته ی فارسی شمرده شده اند، مانند «ترجمان (تازی شده ی «ترزیان» [۵] یا «جوهر» (تازی شده ی «گوهر» [۵]).

● واژه هایی که از زبانهای بجز فارسی، تازی و زبانهای فارسی باستان و میانه و دیگر گونه های زبان فارسی پذیرفته شده اند، در ستون بیگانه شمارش شده اند، مانند «سانسور» فرانسوی. همچنین آمیخته هایی که با واژه های بیگانه ساخته شده اند، در ستون بیگانه شمارش شده اند، مانند «ریز فیلم».

● در شمارش، واژه های یکسان یک بار شمرده شده اند، مانند «نوبت» جانشین «شیفت» و «نوبت» جانشین «سئانس».

● شمار واژه های برگرفته از گونه های دیگر زبان فارسی و یا گویشهای ایرانی کنونی صفر است. همچنین تنها یک واژه «از» در دسته ی زبانهای باستانی جامی گیرد، واژه ی «کوشک» که برای «پاویون» فرانسوی برگزیده شده است. «کوشک» به چم ساختمان بلند، قصر، کاخ، برگرفته از زبان پهلوی است [۲] [۵].

برآمد این آمارش در جدول ۱ نمایش داده شده است. این جدول نشان می دهد که ۲۶٪ واژه های برگزیده شده ی فرهنگستان از زبانهای بیگانه هستند (تازی، فارسی تازی و

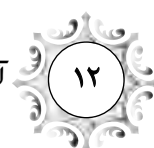
ردیف	زبان	شمار	درصد
۱	فارسی	۱۸۴	٪۷۳
۲	گویشهای دیگر	۰	٪۰
۳	باستانی	۱	٪۰/۴
۴	فارسی-تازی	۲۸	٪۱۵
۵	تازی	۲۲	٪۹
۶	بیگانه	۶	٪۲

جدول ۱: شمارگان واژه های برگزیده ی فرهنگستان بر پایه ی زبان پایه

ردیف	زبان	شمار	درصد
۱	فارسی	۲۰۳	٪۸۱
۲	گویشهای دیگر	۰	٪۰
۳	باستانی	۱	٪۰/۴
۴	فارسی-تازی	۲۰	٪۸
۵	تازی	۲۱	٪۸
۶	بیگانه	۶	٪۲

جدول ۲: شمارگان واژه های برگزیده ی فرهنگستان بر پایه ی زبان پایه

دیگر زبانهای بیگانه). این اندازه واژه ی بیگانه در برآمد کار فرهنگستانی که بر پیرایش واژه های بیگانه از زبان فارسی خویشکار است، کارنامه یی خوب از آن بر جانمی گذارد. در گام دیگر بررسی خود، واژه های تازی یا واژه های ساخته شده با واژه های تازی را بر پایه ی هماهنگی آوایی با واژگان فارسی به دو دسته بخش کرده ایم. یکی دسته ی هماهنگ با واژگان فارسی و دیگری دسته ی ناهماهنگ. در این شمارش، واژه هایی چون «نورتاب»، «نور افکن»، «فن» و «رمزی» را در دسته ی هماهنگ و واژه هایی چون «تفنی»، «شرح حال خود» را در دسته ی ناهماهنگ شمرده ایم.



در جدول ۲، دسته‌ی هماهنگ را در دسته‌ی واژگان فارسی برشمرده ایم. بدین گونه هنوز ۱۸٪ واژه‌های برگزیده‌شده‌ی فرهنگستان از زبانهای بیگانه آمده‌اند. این نشان می‌دهد که اگر ضریب جا افتادگی [۶] برای واژگان برگزیده‌شده‌ی فرهنگستان به ۱۰۰٪ برسد و با چشم پوشی از واژه‌های تازی هماهنگ با زبان فارسی، فرهنگستان در پیرایش بیش از ۸۲٪ واژگان بیگانه‌ی راه یافته به زبان فارسی کامیاب خواهد بود.

۳- برآمد

آمارش بالا نشان می‌دهد که فرهنگستان در گزینش واژه‌ها بر پایه‌ی آیین نامه‌ی خود کار کرده است. پس از دیدگاه این نوشتار، به آیین نامه‌ی فرهنگستان و نه به برآمد کار می‌توان خرده گرفت. چنین به دید می‌آید که جا

به جایی زیر بندهای «ث» و «ج» با بندهای «پ» و «ت» در بند پنجم آیین نامه می‌تواند راهگشا باشد. گرچه زبان تازی، زبان دینی بیشتر ایرانیان است و بنا بر همین، بسیاری با آن خو گرفته‌اند، لیک پروانه دهی به افزایش این واژه‌ها به زبان فارسی، زبان ملی ما را دچار خدشه می‌کند. همچنین می‌دانیم که پیرایش زبان فارسی امروز از واژه‌های تازی سخت ناشایا می‌نماید، لیک می‌توان برای واژه‌های بیگانه‌ی راه یافته به زبان فارسی هم ارز از زبان بیگانه‌ی دیگری بر نگزید تا بدین گونه آوای شیرین و زبای زبان فارسی بیشتر و بهتر نگه داشته شود.

بن نوشتها

- [۱] «اصول و ضوابط کلی واژه‌گزینی». و هومن، ۱۴، خرداد ۷۷.
- [۲] فره فروشی، بهرام، «فرهنگ پهلوی»، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- [۳] صادقی، علی اشرف، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۶)»، نشر دانش، سال ۱۲، مرداد و شهریور ۷۱.
- [۴] گروه واژه‌گزینی، واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- [۵] دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه».
- [۶] کافی، علی، «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول»، نشر دانش.

شماره ۱۳ / آبان / سال سوم / مهر و آبان / شماره ۱۳ و ۱۴